

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «اشتراکی»

# روایت یک دردِ عیان روی صحنه

نمایش «اشتراکی» به نویسندگی و کارگردانی مرتضی شاه‌کرم که در این روزهای پایانی سال در سالن استاد سمندریان تماشایخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود در پرداخت به معضل خانه‌های اشتراکی، کاراکترهای قصه‌اش را در انتخابی بین ثروت و ارزش‌هایشان به چالش می‌کشد. در این نمایش که نگاهی تراژدی کمیک به این مقوله داشته بازیگرانی مانند مسعود کرامتی، پروا آقاجانی، سهند جاهد، فاطمه نیشابوری و... به ایفای نقش می‌پردازند. در ادامه گپ‌وگفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مریم عظیمی  
گفت‌وگو

## مرتضی شاه‌کرم، کارگردان:

مقید به این نیستم که پایان اثرم بازویا بسته باشد

### ایده اولیه این نمایشنامه چگونه شکل گرفت؟

فکر می‌کنم از میدان هفت تیر تهران که به سمت پایین می‌رویم دیگر لازم نیست که به دنبال ایده و سوژه بگردیم بلکه فقط باید به این توجه کنیم که کدام مهمتر است و به آن بپردازیم. قضیه واحدهای اشتراکی که من در این نمایشنامه به آن می‌پردازم ماجرابی است که امروز گریبانگیر مملکت، جامعه و بسیاری از مردم است. یک ناهنجاری جدید که گریبانگیر بسیاری از افراد است و از آنجایی که خود من هم مستاجر هستم مانند بسیاری دیگر از مردم این دغدغه را دارم و این دل‌مشغولی باعث شد که یکی از دوستانم از من بخواهد تا با او به جایی بروم که دو خانواده غریبه باهم در یک واحد بسیار کوچک زندگی می‌کردند و همین مسئله تلنگری بود برای اینکه قصه اولیه نمایش «اشتراکی» شکل بگیرد.

معمولاً نمایشنامه‌های رئالیستی مرحله تحقیقاتی دارند یا مصاحبه‌هایی با افراد درگیر مسئله ممکن است انجام شود آیا برای شما نیز اینگونه بود؟

من با کسی به صورت مستقیم مصاحبه نکردم ولی بر اساس چیزهایی که دیده و شنیده‌ام و درک می‌کنم و بر اساس زیستی که داشتیم به این نتیجه رسیدم که حتماً باید این دغدغه را مطرح کنم و از آنجایی که کار اصلی‌ام تئاتر است و در کنارش کار تصویر انجام می‌دهم با خود فکر کردم که بهتر خواهد بود اگر ابتدا موضوع را در تئاتر محک بزنم. معمولاً برای اینکه یک حرف تلخ بر جان آدمی بنشیند سعی می‌کنیم آن را با زبان شیرین مطرح کنیم به همین علت این کار نیز به سمت تراژدی کمدی‌هایی رفت که به گروتسک‌تنه می‌زنند و در اغلب کارهای پیشینم نیز این ویژگی وجود دارد.

در برخورد با یک پدیده رئالیستی اجتماعی ممکن است دچار شعار زدگی شویم. شما برای اجتناب از این شعار زدگی در نمایشنامه و اجرا به چه مسائلی دقت کردید؟

فکر می‌کنم گاهی در تئاتر باید یک سری چیزها را بفهمیم بدون اینکه آنها را بشنویم یعنی مسائل باید بجای تبدیل به دیالوگ به موقعیتی تبدیل شوند که مخاطب آن را ببیند و به نظرم این یکی از راه‌های فرار از شعار زدگی است. من اگر بخواهم در مورد ایثار یک فرد دیالوگ بنویسم قطعاً دچار شعار زدگی خواهم شد اما اگر ایثار او را به صورت عینی به تماشاگر نشان دهم دیگر شعار زده نخواهد بود و مخاطب ایثار را می‌فهمد و درک می‌کند و این یکی از راه‌هایی است که همیشه برای فرار از این موضوع به ذهنم می‌رسد. بنابراین اگر مسئله خانه‌های اشتراکی را به شکل دیالوگ در می‌آوردم صرفاً تأیید مخاطب را بدست آورده بودم و آنچنان که باید اثرگذار نمی‌بود اما وقتی مخاطب بنشیند و زندگی دو یا چند خانواده را کنار هم ببیند به درک عمیق‌تری از وضعیت می‌رسد.

